

دکتر محمد حسن مقدس جعفری
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای بر علائق و گرایشهای شغلی دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد مقطع متوسطه در شهر کرمان

مقاله حاضر خلاصه‌ی قسمتی از پژوهشی است که در مورد ۴۲۵ دانش‌آموز با استعداد و تیزهوش ۲۴ دبیرستان و هنرستان پسرانه و دخترانه شهر کرمان انجام شده است. برای انتخاب این دانش‌آموزان سه ملاک متفاوت در نظر گرفته شده: اول معرفی و تأیید دبیران مربوط، دوم معدل کل دانش‌آموزان در سال تحصیلی قبل، و سومین عامل بهره‌ی هوشی (بالاتر از ۱۲۰). هدف تحقیق بررسی عوامل مختلف اجتماعی مانند خانواده، گروه همسالان و مدرسه و تأثیر این عوامل بر عملکرد و گرایشهای دانش‌آموزان مورد مطالعه است.

نتایج تجربی حاصله با تئوریهای مربوط مورد تأیید واقع گردید. در مقاله حاضر، نقش عوامل مدرسه‌ای بر اهداف و گرایشهای شغلی دانش‌آموزان مذکور بررسی شده است.

طرح مسأله

در هر جامعه، نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از عوامل عمده در بازسازی ساختار اجتماعی آن جامعه نقش مهم و به‌سزایی دارد. مطالعه آموزش و پرورش

جامعه در رابطه با قشربندی اجتماعی و تحرک اجتماعی یکی از پدیده‌های جدید در علوم اجتماعی محسوب می‌شود.

در کلیه جوامع، خصوصاً جوامع در حال توسعه، از جمله در ایران که از لحاظ صنعتی، اقتصادی و اجتماعی در حال رشد است، شناخت استعداد‌های افراد، شکوفایی توانایی‌های آنها و پرورش تخصص‌ها و مهارت‌ها جهت احراز مشاغل پیچیده جامعه در جهت توسعه اقتصادی - اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

باید توجه داشت که آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی در شکوفایی استعداد‌های افراد جامعه عموماً و افراد تیزهوش و با استعداد آن خصوصاً نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند. افراد با استعداد و تیزهوش در تمام طول عمر خویش به وسیله آموزش و پرورش غیررسمی مانند خانواده، گروه همسالان، وسایل ارتباط جمعی و ... و نیز به وسیله آموزش و پرورش رسمی از طریق آموزشگاه، مدرسه، دبیرستان و دانشگاه تخصص‌های لازم را کسب می‌نمایند. علاوه بر آن تحت تأثیر آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و عوامل مختلف و متعدد اجتماعی و فرهنگی جریان جامعه‌پذیری را پشت سر می‌گذارند.

در جوامع جدید جهان امروز، نهاد آموزش و پرورش و سازمان‌های وابسته به آن نقش مهمی را در تعیین پایگاه اجتماعی افراد جامعه به عهده دارند. بدیهی است فردی که از آموزش و پرورش بیشتر و بالاتری برخوردار است و دارای تحصیلات عالی‌تری است شغل بهتری را احراز کرده و در نتیجه دارای پایگاه اجتماعی بالاتری نیز خواهد بود، و به همین دلیل در مقایسه با دیگر اعضای جامعه دارای اعتبار اجتماعی بیشتری است.

در پژوهش مورد بحث، دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد مقطع متوسطه در شهر کرمان، مرکز استان کرمان، جهت تحقیق انتخاب شدند. براساس اطلاعات و آمار حاصله از اداره کل آموزش و پرورش شهرستان کرمان در زمان انجام تحقیق تعداد ۱۹۷۸۵ نفر دانش‌آموز در مقطع متوسطه در ۲۴ دبیرستان و هنرستان پسرانه و دخترانه این شهر به تحصیل اشتغال داشتند. برای انتخاب نمونه پژوهش، ابتدا پرسشنامه‌ای به دبیران کلیه دبیرستانها و هنرستانهای مذکور داده شد و از آنان

تقاضا گردید که دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد خود را معرفی نمایند. پس از معرفی دانش‌آموزان منتخب دبیران، معدّل کل سال تحصیلی قبل این دانش‌آموزان نیز از دبیرستانهای مربوط اخذ گردید و در مرحله پایانی دانش‌آموزان مذکور بوسیله ماتریسهای پیشرفته ریون که نوعی تست هوشی استاندارد شده در ایران است مورد آزمون واقع شدند.

بنابراین، براساس ملاکهای سه‌گانه معرفّی دبیران، معدّل کل تحصیلی و بهره هوشی، از تعداد ۵۳۲۹ نفر دانش‌آموز معرفّی شده پسر تعداد ۱۸۶ نفر آنها انتخاب گردیدند و همین‌طور از تعداد ۵۲۵۹ نفر دانش‌آموز معرفّی شده دختر نهایتاً ۲۵۹ نفر آنها انتخاب شدند. گرچه دانش‌آموزان انتخاب شده واجد شرایط جهت مطالعه ۴۴۵ نفر بودند، ولی به دلایل مختلف از جمله عدم تمایل برخی از آنها جهت پاسخگویی به پرسشنامه تحقیقی، غیبت برخی دانش‌آموزان در زمان جمع‌آوری اطلاعات، ناقص بودن تعدادی از پرسشنامه‌های تکمیلی و ... در نهایت تعداد ۴۲۵ پرسشنامه مربوط به دانش‌آموزان دختر و پسر از سالهای اول، دوم، سوم، و چهارم دبیرستانها و هنرستانهای مختلف در رشته‌های تحصیلی ریاضی فیزیک، تجربی، علوم انسانی، اقتصاد و رشته‌های مختلف فنّی و هنرستانی جمع‌آوری و مورد بررسی واقع گردید.

از آنجا که تحقیق حاضر مطالعه‌ای است در خصوص دانش‌آموزان با استعداد و تیزهوش، لذا دانش‌آموزانی که دارای بهره هوشی بالاتر از ۱۲۰ بودند، انتخاب شدند.^(۱)

پرسشنامه پژوهشی شامل ۹۱ سؤال تهیه گردید و پس از آزمون و تعیین اعتبار آن بین تعداد معدودی از افراد نمونه انتخابی، بین کلیه دانش‌آموزان تحت پژوهش توزیع گردید. این پرسشنامه متغیرهای مهمی از جمله زمینه‌های خانوادگی، مانند تحصیلات پدر و مادر، شغل آنها، درآمد خانواده، تعداد برادران و خواهران، رابطه افراد خانواده با یکدیگر و ... گروه همسالان، آموزش و پرورش، که شامل مسائل آموزشی درون مدرسه و نیز عوامل و مسائل مربوط به آن در بیرون مدرسه مخصوصاً در محیط خانواده است و نیز عملکرد، اهداف، علایق و کارآیی دانش‌آموزان و متغیرهای مختلف دیگری را دربرداشت. داده‌های تجربی تحقیق و

تجزیه و تحلیل آماری آن با استفاده از آزمون کی دو (Chi - Square) انجام شد. جهت مشخص نمودن روابط احتمالی بین متغیرهای مستقل مانند عوامل خانوادگی، آموزشی، گروه همسالان و ... از یک طرف و متغیرهای وابسته مانند ضریب هوشی، معدل کل تحصیلی، رشته تحصیلی، علت انتخاب رشته تحصیلی، میزان مشارکت در فعالیتهای مختلف اجتماعی، ورزشی و ... نحوه گذراندن اوقات فراغت، رشته تحصیلی مورد علاقه در دانشگاه، گرایشهای شغلی دانش‌آموزان، اهداف و علایق مختلف آنها و ... از طرف دیگر، مطالعه دقیق انجام شد. یافته‌ها و نتایج پژوهش با نتوریه‌های مربوط مورد تأیید واقع گردید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی موردی از نوع نیمه تجربی است. ابزار به کار گرفته شده در این تحقیق پرسشنامه‌ای شامل ۹۱ سؤال است و اطلاعاتی در خصوص مسائل خانوادگی آموزشی، گروه همسالان اهداف، علایق، عملکرد و ... دانش‌آموزان تحت پژوهش را شامل می‌شود، پرسشنامه مذکور مقدمتاً بین ۳۰ نفر از افراد مورد مطالعه توزیع و بعد از تعیین اعتبار و روایی آن بین کلیه افراد توزیع گردید. علاوه بر آن، ماتریسهای پیشرفته ریون که نوعی تست هوشی استاندارد شده در ایران و شامل ۶۰ سؤال است نیز به کار گرفته شد.

روشهای آماری مورد استفاده در این تحقیق عمدتاً عبارتند از فراوانی، درصد فراوانی، معدل و کی دو. علاوه بر آن، جداول یک بعدی و چندبعدی و نیز نمودارهای مختلف مورد لزوم تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. کلیه محاسبات آماری و رسم جداول و نمودارها با استفاده از کامپیوتر انجام شده است.

مروری گذرا بر پیشینه مسأله

مهمترین نهاد اجتماعی که در جریان شکوفایی استعدادهای افراد جامعه نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند نهاد آموزش و پرورش است. آموزش به‌عنوان انتقال دانش از طریق روشهای رسمی و غیررسمی تعریف شده است. در حقیقت مفاهیم جامعه‌پذیری و یادگیری هر دو به مفهوم آموزش ارتباط داشته و از آن جدایی ناپذیر

است.

گرچه آموزش معمولاً به صورت مدرسه‌ای یعنی آموزش رسمی تصوّر می‌شود، لکن پرورش مؤثر برای نقش‌پذیری فرد هم به عنوان عضوی از اعضای گروه و جامعه و هم به عنوان فردی مستقل جریانی مستمر و مداوم است.

کارکرد اصلی جریان آموزشی انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر است، جریانی که برای توسعه فرهنگ جامعه ضروری است.^(۲)

یک فرهنگ جامعه‌شناسی، آموزش را به صورت زیر تعریف می‌کند: جریان آموزش از دیدگاه جامعه‌شناسی به عنوان انتقال رسمی فرهنگ توأم با عناصر حفظ‌کننده‌اش، اشاعه و نوآوری تصوّر شده است. در جوامع ساده این جریان رسمی شده نیست، ولی در جوامع صنعتی ضمن داشتن کارکردهای اشاعه و نوآوری به نحوی هوشیارانه سازمان داده شده است تا نیازهای جامعه را از نقطه نظر آموزشهای اساسی و معنوی و همین‌طور از دیدگاه سوادآموزی، دانستن ریاضیات جهت آموزش‌های تخصصی که مربوط به نیازهای مادی و اقتصادی جامعه می‌شود و نیز برای دانش‌افزایی از طریق پژوهش و تحقیق برآورده نماید.^(۳)

همچنین در مورد آموزش گفته شده است: جریانی است که شهروندان را از لحاظ معنوی فکور و از لحاظ مادی سعادت‌مند می‌سازد.^(۴) لازم است بیان شود که آموزش نه تنها شهروندانی فکور می‌پرورد، بلکه بر آینده اجتماعی آنها نیز تأثیر می‌گذارد. بیانیه میلر و فروم در خصوص تشریح مراحل آینده شغلی، ادعای ما را تأیید می‌نماید. آنان می‌گویند: اولین مرحله، یا مرحله ابتدایی، دوران مدرسه یا خانواده است که در آن شخص شروع به پیشرفت رفتار و طرز تلقی‌اش نسبت به نظام شغلی می‌کند. مرحله دوم دوره کارهای نیمه‌وقت و تمام‌وقت در طول جریان آموزشی است ... طبق گفته میلر و فروم، این دوره فراهم‌کننده انتظارات مهم فرد و خط‌دهنده به شخص در خصوص آینده شغلی اوست.^(۵)

همان‌طور که خانواده در مورد انتخاب شغل اعضای خود نقش مهم و مؤثری دارد و در حقیقت پایگاه اجتماعی افراد را با انتخاب مشاغل ویژه تثبیت می‌کند، آموزش نیز در این خصوص دارای نقش مهم و ویژه‌ای است، چنانکه لی‌تیلور می‌گوید: نظام آموزشی فراهم آورنده، محرک جهت انتخاب شغل فرد، فراهم

آورنده، اطلاعات برای انتخاب شغل وی، و نیز کنترل‌کننده مستمری در جهت انتخاب شغل اوست.^(۶) وی سپس چنین ادامه می‌دهد: مشخص شده است که انتخاب‌های شغلی و رشته دانشگاهی (تخصص) هم برای مردان و هم برای زنان می‌تواند قبل از ورود یا در طول دوره آموزش دانشگاهی انجام شود. بیشتر از نیمی از مردان، رشته تخصصی و همین‌طور مشاغل آینده خود را طی دوره تحصیلات دانشگاهی انتخاب می‌کنند. تقریباً نصف زنان (۴۶٪) نیز رشته‌های تخصصی و مشاغل خود را طی دوره دانشگاه انتخاب می‌نمایند.^(۷)

جنگ کریستوفر چهار مکانیسم برای پیدا کردن یک شغل خوب ارائه می‌دهد. تمام این مکانیسم‌ها در رابطه مستقیم با آموزش و انتخاب مدرسه فرد است. او همچنین می‌گوید: آنهایی که معتقدند حضور در مدرسه مناسب بر امکان شخص جهت یافتن شغل خوب تأثیر دارد، همیشه نمی‌توانند بگویند که چگونه به این نتیجه رسیده‌اند. اما چهار مکانیسم کریستوفر برای یافتن شغل خوب به قرار زیر است.

۱. برخی مدارس ممکن است از لحاظ آموزش مهارت‌های شناختی بهتر از سایر مدارس باشند.
۲. بعضی مدارس ممکن است از لحاظ پیشرفت عادات غیرشناختی (سایر حیطه‌های یادگیری) مانند ارزشها و طرز تلقی مورد نیاز برای شغل‌های عالی‌رتبه از مدارس دیگر بهتر باشند.
۳. برخی مدارس ممکن است از لحاظ وادار کردن دانش‌آموزان به حضور در کلاس و اخذ مدرک از دیگر مدارس بهتر باشند.
۴. برخی مدارس ممکن است از لحاظ تهیه اطلاعات و فراهم آوردن ارتباطاتی که مستقیماً منجر به یافتن یک شغل خوب شود از دیگر مدارس بهتر باشند.^(۸)

در دنیای پیشرفته کنونی هر شخص برای انجام هر کاری اعم از مشاغل ساده یا مشاغل پیچیده نیازمند این است که در سطوح معین و متناسب تحت آموزش قرار گیرد. معمولاً بواسطه همین آموزش دیدن است که افراد خود را در مراتب اجتماعی

بالاتر قرار داده و در واقع از لحاظ شغلی ارتقاء می‌یابند.

اظهارات جین فلود نظر ما را در این مورد تأیید می‌کند. او می‌گوید: آموزش حداقل تا سطح دبیرستان مدت مدیدی است که برای سطوح پایین تجاری و صنعتی تقریباً لزوم و ضرورت کامل یافته و شکلهایی از آموزش به‌عنوان پیش‌نیاز برای پیشرفت فرد محسوب می‌شود. بنابراین نظام آموزشی اولین وسیله انتخاب اجتماعی و شغلی فرد شده است.^(۹)

آلبرت. جی. ریس بین آموزش، شغل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد ارتباط می‌یابد و می‌گوید: درآمد و میزان تحصیلات شخص که به‌عنوان شاخصهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی او مورد استفاده واقع می‌شوند با مرتبه شغلی وی همبستگی داشته و مرتبط هستند و هر دو می‌توانند به‌عنوان وجوه پایگاه شغلی دیده شوند، به‌این دلیل که آموزش اساس ورود شخص به مشاغل متعدد است و برای غالب مردم درآمد از طریق شغل تأمین می‌شود.^(۱۰)

بنابراین، می‌توان گفت که آموزش تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر آن باید بپذیریم که آموزش عامل عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و رشد آن محسوب می‌شود.

در دنیای پیشرفته صنعتی پایگاه اجتماعی فرد در جامعه عمدتاً وابسته به میزان و نوع آموزشی (تخصص) است که از آن برخوردار شده است. استعدادهای افراد در جامعه بوسیله آموزش آشکار شده و همین‌طور به شکوفایی می‌رسد. گرچه عده، بسیار قلیلی بوده‌اند که بعد از ترک مدرسه به‌عنوان افراد برجسته و نابغه و بااستعداد شناخته شده‌اند، اما این مسأله از ارزش و اهمیت آموزش در جهت شکوفایی استعدادهای اکثریت افراد نمی‌کاهد.

مختصری از نتایج بدست آمده

در مورد نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت در اینجا تنها مختصراً به آن دسته از نتایج اشاره خواهد شد که در رابطه با آموزش و پرورش، اهداف، علایق و گرایشهای شغلی دانش‌آموزان مورد مطالعه است.

امتحانات

جالب است بیان شود که دانش آموزان تیزهوش و بااستعداد تحت پژوهش، در خصوص مطالعه و آمادگی جهت حضور در امتحانات و نیز موفقیت در آن، این‌گونه اظهارنظر نمودند: ۲۰۸ نفر (۴۹٪) اعلام داشتند که برای موفقیت در امتحانات باید به‌طور معمولی درس خواند و خود نیز به‌همین نحو عمل می‌کنند؛ ۹ نفر دیگر (۲٪) عقیده دارند که مطالعه در شب امتحان برای موفقیت تحصیلی کافی است؛ و ۱۲ نفر (۲۶/۵٪) نیز اعلام داشتند که برای موفقیت در امتحانات باید به سختی درس خواند و کوشش زیادی نمود و فقط یک‌نفر از آنها اظهار نموده است که برای موفقیت در امتحان باید به تقلب متوسل شد. برای روشن‌تر شدن مسأله فوق از آنها سؤال شد که چه مدت از ساعات خود را در شبانه روز صرف مطالعه می‌نمایند. ۳۲۸ نفر (۷۷٪) از آنها گفته‌اند که بیش از ۲ ساعت در شبانه روز مطالعه درسی دارند، ۵۱ نفر (۱۲٪) فقط یک ساعت از شبانه روز را به مطالعه دروس خود می‌پردازند و ۴۵ نفر (۱۱٪) دیگر اعلام داشته‌اند که در شبانه روز ساعات منظمی را برای امور تحصیلی و درسی خود اختصاص نمی‌دهند.

در مورد هدف از حضور در جلسات امتحانی از آنها اطلاعاتی کسب گردید: ۲۳۱ نفر (۵۴٪) اعلام نموده‌اند که با هدف ارزیابی دانش و معلومات خویش در امتحانات حاضر می‌شوند، ۱۱۰ نفر دیگر (۲۶٪) اظهار کرده‌اند که جهت اخذ نمره عالی در جلسه امتحانات حضور پیدا می‌کنند، ۳۰ نفر (۷٪) آنها نیز اظهار داشته‌اند که با هدف کسب نمرات خوب در امتحان حاضر می‌شوند، و کمتر از ۱٪ دیگر صرفاً جهت گذراندن درس و آوردن نمره قبولی به جلسه امتحان می‌روند. جالب است بیان شود که میان معدّل کل تحصیلی این دانش‌آموزان و هدف آنها از حضور در جلسه امتحان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

دانش‌آموزان بااستعداد و تیزهوش مورد پژوهش علاوه برآنکه پذیرفته بودند که از هرگونه تقلبی در امتحانات مبرا باشند. غالباً مخالف اعمال هرگونه تقلبی در جلسات امتحانی توسط دیگر دانش‌آموزان نیز بودند، به‌طوری‌که ۳۰۷ نفر (۷۳٪) آنها شدیداً مخالف هرگونه تقلب توسط بقیه دانش‌آموزان در جلسات امتحان بودند. به‌همین دلیل ۱۰۰ نفر آنها (۲۴٪) آشکارا اعلام داشتند که دانش‌آموزان

بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای بر علائق و ... ۹۵

متقلب در امتحان باید تنبیه شوند، گرچه ۲۰۷ نفر (۴۹٪) دیگر اظهار نموده‌اند که باید از تقلب این دانش‌آموزان جلوگیری به عمل آید و ۲۵٪ آنها نیز پاسخهای دیگری داده‌اند و فقط ۲٪ از آنها معتقدند که دانش‌آموزان متقلب در امتحانات را باید رها کرده و تقلب‌شان را نادیده گرفت.

رشته تحصیلی دانشگاهی و مشاغل آینده

در خصوص علایق دانش‌آموزان مورد پژوهش به رشته‌های تحصیلی آینده‌شان اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که ۶۱٪ از آنها با هدف رشته‌های پزشکی و وابسته به آن در دانشگاه ادامه تحصیل خواهند داد.

۲۱٪ دیگر نیز هدف خود را از تحصیلات دانشگاهی، ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و مهندسی اظهار نمودند. با توجه به اینکه رشته‌های مذکور در جامعه ایران از لحاظ اجتماعی مقبول و از لحاظ اقتصادی دارای درآمدهای نسبتاً مناسب و مطلوبی هستند، نتایج به دست آمده دور از انتظار نیست. علاوه بر آن، دانش‌آموزان مورد پژوهش با اظهار علاقه به چنین رشته‌هایی نشان دادند که علاقه‌مند به تحرک اجتماعی صعودی هستند.

۸٪ باقیمانده برای رشته‌های مختلف از جمله علوم تجربی، علوم انسانی، اقتصاد، الهیات و ... اظهار علاقه نمودند.

۸۱٪ از این دانش‌آموزان اعلام داشتند که رشته‌های تحصیلی مقطع فعلی خود را بر اساس علایق شخصی‌شان انتخاب کرده‌اند، گرچه ۱۵٪ از پدران این دانش‌آموزان و ۲۲٪ از مادران آنها بیسواد هستند ولی اساساً والدین دانش‌آموزان مذکور علاقه‌مند به آموزش مقاطع بالا برای فرزندان خویش هستند. در مورد علایق شخص آنها نیز باید متذکر گردید که این علایق عمدتاً بوسیله آموزش رسمی و مدرسه‌ای و آموزش غیررسمی از طریق خانواده و ... کسب گردیده است.

اطلاعات بدست آمده در خصوص مشاغل مورد علاقه دانش‌آموزان تحت مطالعه در آینده، نتایج به دست آمده در خصوص رشته‌های تحصیلی دانشگاهی مورد علاقه آنها را تأیید می‌نماید، به طوریکه ۲۵۹ نفر (۶۱٪) آنها اظهار علاقه نموده‌اند که در آینده به مشاغل پزشکی و وابسته به آن خواهند رفت، ۹۰ نفر

(۲۱٪) نیز برای رشته‌های فنی و مهندسی اظهار علاقه و تمایل نموده‌اند، ۲۷ نفر دیگر (۹٪) گرایش شغلی‌شان در آینده به مشاغل آموزشی است و ۳ نفر آنها (کمتر از ۱٪) برای مشاغل دولتی و همین‌طور ۳ نفر دیگر نیز برای مشاغل نظامی اظهار تمایل کرده‌اند و ۲ نفر نیز با این هدف که در آینده جذب مشاغل آزاد شوند، درس می‌خوانند. یکی از نتایج حاصله قابل ذکر در باب مشاغل مورد انتظار دانش‌آموزان مذکور، وجود رابطه معنی‌دار بین جنسیت و مشاغل مورد علاقه آنهاست. دیگر اینکه بین رشته تحصیلی فعلی و مشاغل مورد علاقه آنها در آینده نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد. همین‌طور رابطه معنی‌داری بین سن دانش‌آموزان مورد بحث و مشاغل مورد علاقه آنها دیده می‌شود، و نیز معدّل کل تحصیلی این دانش‌آموزان با اهداف و گرایشهای شغلی آنها در آینده دارای رابطه معنی‌داری است. جالب است متذکر شویم که تحصیلات پدران ۹ نفر (۲٪) از دانش‌آموزان تحت مطالعه در سطح دکتراست و همه این ۹ نفر بلااستثناء علاقه‌مندند که در آینده شغل پزشکی را انتخاب نمایند و با این هدف به دانشگاه خواهند رفت. این مسأله نشانگر حفظ پایگاه اجتماعی خانواده و ارتقاء آن توسط فرزندان است.

کاربرد و فایده استعداد

از دانش‌آموزان تحت مطالعه خواسته شد که هدف از کاربرد و فایده استعداد خود را بیان نمایند. اکثریت آنها (۳۰۵ نفر یعنی ۷۳٪) اعلام داشتند که کاربرد استعداد خود را با هدف خدمت به جامعه دنبال می‌کنند، ۸۸ نفر دیگر (۲۱٪) اظهار نمودند که با هدف ترویج علم و دانش در جامعه به توسعه استعدادهای خود می‌پردازند، و تنها ۷ نفر (یعنی کمتر از ۲٪) اهداف شخصی را بیان داشته‌اند. رابطه‌ای معنی‌دار میان جنسیت و هدف از کاربرد این استعدادها در نمونه مورد تحقیق مشاهده می‌شود. علاوه بر آن، بین پایه تحصیلی (کلاس) و نیز رشته تحصیلی فعلی از یک‌طرف و هدف از کاربرد استعدادهای افراد مورد مطالعه از طرف دیگر رابطه معنی‌دار وجود دارد.

احترام مورد انتظار از جامعه

به منظور آنکه اهداف و علائق این دانش‌آموزان بیشتر شناخته شود، از آنها خواسته شد تا اطلاعاتی در خصوص میزان احترام مورد توقع خود از جامعه ارائه دهند. ۳۶۳ نفر (۸۵٪) از آنها بیان داشتند که به دلیل اهمیت موقعیت تحصیلی خود و پیشرفتهایی که در زمینه آموزشی دارند علاقه‌مند هستند که مورد احترام جامعه واقع شوند، در حالیکه ۲۳ نفر (۵٪) دیگر در این مورد ابراز بی تفاوتی نموده‌اند و ۲۹ نفر دیگر (۷٪) هم اعلام کرده‌اند که نمی‌خواهند به دلایل مذکور مورد احترام جامعه باشند.

میزان درآمد مورد انتظار

به نظر می‌رسد که معمولاً سطح توقع و انتظار شخص جهت کسب میزان درآمد بستگی به لیاقت سطح تحصیلات، شغل و تخصص فرد دارد. ۳۶۳ نفر از دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد مورد تحقیق (۸۵٪) انتظار دارند که درآمدهشان در آینده نسبت به درآمد دیگر افراد جامعه در سطح متوسط باشد، که در این مورد می‌توان گفت مسأله دقیقاً واقع بینانه به نظر می‌رسد. ۵۵ نفر دیگر (۱۳٪) اظهار نموده‌اند که در آینده از درآمدهای بالایی برخوردار باشند، اما هیچیک از آنها علاقه‌مند نیستند که درآمدهشان در سطوح پایین جامعه باشد. در مورد رابطه بین میزان درآمد مورد توقع دانش‌آموزان با عوامل دیگر باید متذکر شد که آزمونهای لازم به عمل آمد ولی بین میزان درآمد مورد انتظار آنها با متغیرها و عوامل دیگر از جمله جنسیت، سن، رشته، پایه تحصیلی، معدل کل، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، نوع مدرسه، علت انتخاب رشته تحصیلی و ... رابطه منفی وجود داشت.

سطح زندگی مورد انتظار

سطح زندگی مورد انتظار در بین دانش‌آموزان با استعداد مورد پژوهش تقریباً همانند سطح درآمد مورد توقع آنها بود. به این ترتیب که ۳۷۶ نفر (۸۸٪) آنها برای خود توقع یک زندگی در سطح متوسط جامعه را در آینده دارند. هیچکدام از آنها

علاقه‌ای برای داشتن زندگی سطح پایین ندارند.

در اینجا نیز رابطه بین سطح زندگی مورد انتظار دانش‌آموزان با عوامل و متغیرهای دیگر مانند جنسیت، سن پایه تحصیلی (کلاس)، رشته تحصیلی، سطح تحصیلات پدر و مادر نوع شغل پدر و مادر، معدل کل، درآمد ماهانه خانواده و ... منفی است.

طبقه اجتماعی مورد انتظار

به همان ترتیبی که در مورد میزان درآمد مورد انتظار و سطح زندگی مورد توقع دانش‌آموزان با استعداد و تیزهوش پژوهش شده اطلاعات لازم کسب گردید، در خصوص طبقه اجتماعی مورد انتظار آنها نیز اطلاعاتی به دست آمد. براساس بررسی مذکور، تعداد ۳۷۶ نفر (۸۸٪) علاقه‌مند هستند که در آینده وابسته به طبقات متوسط جامعه باشند و طبق معمول هیچ‌یک از آنها علاقه‌ای برای وابستگی به طبقه پایین جامعه از خود نشان نمی‌دهند. در حالیکه ۴۶ نفر دیگر (۱۱٪) انتظار دارند که در آینده وابسته به طبقه بالای جامعه باشند.

در اینجا نیز بین طبقه اجتماعی مورد علاقه دانش‌آموزان تحت پژوهش و تعدادی از عوامل دیگر مانند جنسیت، سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، رشته تحصیلی دانشگاهی در آینده، تحصیلات پدر و مادر، نوع شغل پدر و مادر، معدل کل، نوع مدرسه و ... آزمونه‌های لازم معمول گردید ولی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری دیده نشد. مسأله دیگر اینکه، بعد از کسب اطلاعات ضروری در مورد علاقه‌مندی به رشته تحصیلی دانشگاهی اهداف شغلی، میزان احترام مورد توقع از جامعه، سطح زندگی مورد انتظار، درآمد مورد توقع و طبقه اجتماعی مورد علاقه آنها در آینده طبیعی به نظر می‌رسید که در خصوص همسر مورد علاقه آنها از نقطه نظر وضعیت اجتماعی نیز اطلاعاتی اخذ شود. تعداد مورد توجهی از دانش‌آموزان مورد تحقیق اعلام داشتند که همسران مورد علاقه آنها از نقطه نظر اجتماعی عموماً از طبقه متوسط جامعه خواهند بود، به قسمی که ۳۹۷ نفر آنها (۹۳٪) علاقه‌مند به داشتن همسرانی از طبقه متوسط جامعه هستند و فقط ۱۰ نفر (یعنی کمتر از ۳٪) اعلام داشته‌اند که علاقه‌مند به انتخاب همسرانی از طبقه پایین جامعه هستند و ۲۲

نفر که کمتر از ۵٪ نمونه مورد پژوهش هستند اظهار تمایل به داشتن همسرانی از طبقات بالای جامعه را نموده‌اند.

جالب توجه است یادآوری شود که بین جنسیت و انتخاب همسر از طبقات مختلف اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد و غالباً دانش‌آموزان دختر علاقه‌مند به انتخاب همسران خود از طبقات بالای جامعه هستند.

در پژوهش مورد بحث وجود روابط معنی داری بین رشته‌های تحصیلی انتخابی دانش‌آموزان مورد مطالعه و اهداف آموزشی آنها قابل ذکر است. برای مثال دانش‌آموزان رشته ریاضی بیشتر علاقه‌مند به پیشرفتهای عالی آموزشی و کسب موفقیت‌های تحصیلی مخصوصاً در امتحانات هستند، درحالی‌که دانش‌آموزان رشته علوم تجربی نسبت به ارزیابی دانش خود علاقه بیشتری نشان می‌دهند و دانش‌آموزان رشته‌های فرهنگ و ادب و اقتصاد غالباً علاقه‌مند به گرفتن نمره خوب هستند. نکته دیگر اینکه بین امکانات آموزشی خارج از مدرسه این دانش‌آموزان مانند معلم خصوصی، داشتن وسایل کمک آموزشی در منزل، کتابهای کمک درسی و ... با اهداف آموزشی آنها رابطه معنی داری وجود دارد، به طوری که دانش‌آموزانی که دارای امکانات مذکور هستند علاقه‌مندی بیشتری به کسب موفقیت‌های علمی و آموزش عالی از خود نشان می‌دهند که این نیز طبیعی به نظر می‌رسد.

نتیجه گیری

تقسیم اجتماعی کار اگر چه برای جوامع لازم است، ولی از آنجا که انواع نقش‌های اجتماعی را در طبقات گوناگون قرار می‌دهد، قشربندی اجتماعی رابه وجود می‌آورد. بنابراین پایگاه‌های اجتماعی مختلف بر اساس طبقه‌بندی مشاغل درجه‌بندی می‌شود. در جوامعی مانند ایران که تلاش دارد از لحاظ صنعتی، اقتصادی و اجتماعی توسعه یابد، وجود تخصص‌ها، حرفه‌ها و مشاغل که این توسعه را تضمین نماید ضرورت و اهمیت فراوان دارد. لذا به منظور نیل به این اهداف، لازم است که استعدادهای افراد در جامعه شناسایی شده و جهت باروری و شکوفایی این استعدادهای کوشش‌های لازم معمول گردد. علاوه بر این

مسأله، باید امکانات لازم نیز برای باروری و شکوفایی این استعدادها فراهم شود. طبیعی است که عوامل مختلف بیرون مدرسه از جمله عوامل خانوادگی، گروه همسالان و ... نقش مهمی را در کارنامه تحصیلی نوجوانان و جوانان جامعه به عهده دارند. به علاوه، لازم است بیان شود که عوامل مختلف درون مدرسه و تأثیر آن بر عملکرد و گرایشهای دانش‌آموزان را نیز باید مورد توجه قرار داد. تنها از طریق شناخت و فراهم ساختن امکانات لازم آموزش و پرورش می‌توان به شکوفایی استعدادهای دختران و پسران جوان همت گماشت. شکل‌گیری اهداف، علایق و گرایشهای شغلی دانش‌آموزان تنها معلول عوامل مختلف بیرون مدرسه‌ای نیست و محیط مدرسه نیز به عنوان یکی از عوامل عمده و اثرگذار در این رابطه نقش مهمی را ایفا می‌کند.

رشته تحصیلی انتخابی توسط دانش‌آموزان، علل انتخاب رشته تحصیلی موردنظر، میزان پیشرفت دانش‌آموزان در امتحانات، بهره‌هوشی آنها و بسیاری عوامل دیگر در شکل‌گیری اهداف، علایق و گرایشهای تحصیلی شغلی و اجتماعی‌شان در آینده مؤثر است.

چنانکه از نتایج حاصله در تحقیق حاضر نیز برمی‌آید، بسیاری از عوامل درون مدرسه و بیرون مدرسه در شکل‌گیری اهداف و علایق دانش‌آموزان تحت پژوهش و نیز گرایشهای شغلی آنها تأثیر بسزایی دارد.

دانش‌آموزان تیزهوش و بااستعداد مورد تحقیق علاقه‌مند هستند که حتی اگر نتوانند پایگاههای اجتماعی خانواده‌های خود را از طریق پیشرفت و موفقیت‌های تحصیلی توسعه بخشند، دست‌کم با کسب آموزش و پرورش و پیشرفت تحصیلی لازم به حفظ پایگاههای اجتماعی موجود خانواده خویش بپردازند. چنانکه ملاحظه گردید اکثریت دانش‌آموزان تحت پژوهش (۸۲٪) اظهار علاقه نموده‌اند که در آینده رشته‌ها و مشاغل پزشکی و مهندسی را انتخاب خواهند کرد. علاوه بر آن ۸۵٪ آنها علاقه‌مندند که به دلیل پیشرفت تحصیلی مناسب خود و استعداد و هوش سرشارشان در جامعه مورد احترام دیگران باشند. همچنین مشاهده گردید که اکثریت این دانش‌آموزان تیزهوش و بااستعداد علاقه‌مند به داشتن سطح زندگی، درآمد و طبقه اجتماعی متوسطی برای آینده خود هستند و کسب آنها را در گر و

بررسی نقش عوامل مدرسه‌ای بر علائق و ... ۱۰۱

پیشرفت تحصیلی عالی و بیشتری می‌دانند. لذا مطالعه گرایشها، اهداف و علائق دانش‌آموزان عموماً و دانش‌آموزان تیزهوش و با استعداد خصوصاً و نیز امکانات موجود تحصیلی، خانوادگی و ... آنها می‌تواند در جهت شناخت و شکوفایی استعداد آنها راهگشا باشد.

مطالعه این دانش‌آموزان با استعداد نشانگر درجه‌بندی صعودی بین قشربندی اجتماعی و طبقه‌بندی مشاغل از یک طرف و اهمیت خانواده، آموزش مدرسه‌ای، گروه همسالان و نیز ارزشهای فرهنگی و دیگر عوامل اجتماعی است که انگیزه‌ها و گرایشهای لازم را در این دانش‌آموزان به وجود می‌آورد تا بتوانند استعدادهای بالقوه خویش را در جامعه شکوفا سازند و نهایتاً این نوع جامعه‌پذیری و شکوفایی استعداد، آنها را در جهت کسب پایگاه اجتماعی برتر، درآمد بیشتر و نیز سطح زندگی بالاتر در آینده یاری می‌دهد.

۱. براساس طبقه‌بندی روان‌شناسان از جمله استنفرد بینه از بهره هوشی، افراد با بهره هوشی بالاتر از ۱۲۰ جزء طبقه تیزهوش و دارندگان بهره هوشی بالاتر از ۱۳۹ نوابغ محسوب می‌شوند.

2. Berg. I.V. *Education and Job*. Penguin Publishers Inc. London. England, 1978. P.91
3. Duncan Mitchel, G. (Ed.) *A Dictionary of Sociology*. Routledge and Kegan Paul. London, England, Reprinted, 1975.
4. Collins, R. "Functional & Conflict theories of Educational Stratification". In J.Karabel & A.H. Halsey, Eds. *Power & Ideology in Education*. NewYork. Oxford University Press. 1977. PP. 118-36
5. Ibid
6. Lee, Tylor. *Occupational Sociology*. Oxford University Press, NewYork, U.S.A. 1968. P.123
7. Ibid
8. Jenks Christopher, et.al. *Inequality: A Reassessment of the Effect of family and Schooling in America*. Oxford University Press, New-York, U.S.A. 1971 P.1216
9. Jean Floud. *The Education Experience of the Adult population of England and wales as at July 1949 in Social Mobility in Britain*. Ed by D.V. Glass. 1954. P.301
10. Berg. I.V. *Education and Job*. P.163.